خبر

علت قطعی‌های برق در تهران مشخص شد

● **تسنیم:** درحالی‌که شرکت توزیع برق تهران بزرگ با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرده «هیچ‌گونه خاموشی برنامه‌ریزی‌شده یا نوبتی در دستور کار شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ قرار ندارد»، اما گزارش‌های مردمی از قطعی‌های پراکنده و گاه مستمر در برخی مناطق تهران حکایت دارد. سیدمحمد هاشمی، مدیرعامل شرکت توزیع برق تهران بزرگ اظهار کرد: «مصرف برق که افزایش می‌یابد، کابل‌های برق نمی‌توانند بار انرژی را انتقال دهند و وقتی بار انرژی از ظرفیت کابل بالاتر می‌رود، این انتقال نمی‌تواند صورت گیرد و در نتیجه به‌طور اتوماتیک کابل سوخته و خاموشی رخ می‌دهد». ازاین‌رو، کابل‌های برق تهران توان انتقال برق مصرفی در ساعات پیک را ندارند. از آنجایی که در اغلب قریب‌به‌اتفاق بروز قطعی‌های موردی در پایتخت، بدون تعویض کابل‌های منطقه، برق مجددا وصل شده است و از طرفی طبق گزارش‌های مردمی، در پیگیری مشترکان از سامانه ۱۲۱ بدون حضور مأموران در محل، قطعی‌ها برطرف می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولان توزیع برق در هر نقطه‌ای که هشدار بروز خاموشی ببینند، پیش از سوختن کابل اقدام به قطع برق در بخشی از آن منطقه می‌کنند و پس از گذر از ساعات پیک مصرف مجددا برق را وصل می‌کنند تا در اوج مصرف به کابل‌های فرسوده برق پایتخت فشار وارد نشود. دلیل این مسئله که چرا کابل‌های برق در تهران توان پشتیبانی از بار مصرف برق را ندارند را می‌توان در فرسوده‌بودن شبکه برق جست‌وجو کرد. سیدمحمد هاشمی سال گذشته در مصاحبه با یکی از خبرگزاری‌ها در این خصوص گفته بود که نیمی از شبکه توزیع تهران بالای ۲۵ سال قدمت دارد.

مقصد پراید کدام کشورهاست؟

● **ایسنا:** آمار صادرات بهاره گمرک حاکی از آن است که مجموعا ایران بیش از سه‌هزارو ۵۰۰ دستگاه خودرو به دیگر کشورها صادر کرده که البته عمده خریدار این خودروها عراق است. در فصل اول سال جاری، مجموعا ایران سه‌هزارو ۵۱۶ دستگاه اتومبیل صادر کرد که براساس آمار گمرک از میزان صادرات اتومبیل و قطعات اتومبیل در سه‌ماهه اول سال‌جاری، بیشترین خودرو به کشور عراق، پس از آن به آلمان صادر شده است. براین‌اساس مجموعا دوهزارو ۴۰۰ دستگاه از پژوپارس عمدتا به کشور عراق صادر شده است که براین‌اساس قیمت پژوپارس برای صادرات به عراق حدود پنج‌هزارو ۷۰۰ دلار است و با درنظرگرفتن قیمت دلار، ارزش این خودرو معادل ۱۸میلیون‌و ۲۴۰ هزار تومان تمام می‌شود. پس از پژوپارس، بیشترین صادرات مربوط به خودرو پراید بوده است. براین‌اساس در فصل بهار حدود ۶۳۰ دستگاه پراید به کشور عراق صادر شده که در گمرک حدود پنج‌هزارو ۵۰۰ دلار ارزش‌گذاری شده است بنابراین با محاسبه آن براساس قیمت دلار ارزش این پرایدها به بیش از ۱۷ میلیون تومان می‌رسد. همچنین در این مدت ایران نزدیک به ۵۵۰ دستگاه «تیبا» نیز به کشورهای عراق، اسپانیا، سودان و آلمان فروخته است. براین‌اساس قیمت صادراتی «تیبا» نزدیک به شش‌هزارو ۶۰۰ دلار است که ارزش ریالی آن ۲۱میلیون‌و ۱۲۰ هزار تومان تمام می‌شود. همچنین در این مدت دو دستگاه خودرو سورن نیز با ارزش نزدیک به هفت هزار دلار معادل ۲۲میلیون‌و۴۰۰ هزار تومان و یک دستگاه خودرو رانا با ارزش هشت‌هزارو ۵۰۰ دلار معادل ۲۷میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان به آلمان فروخته شده است. آمار گمرک نشان می‌دهد که در سه‌ماهه اول سال جاری پنج دستگاه خودرو سواری با مشخصات نامعلوم نیز به الجزایر و آلمان صادر شده است.

وضعیت آب برخی استان‌ها قرمز شد

● **مهر:** معاون وزیر نیرو با نگران‌کننده خواندن وضعیت منابع آب در برخی استان‌های جنوب شرقی کشور، گفت: فعلا مجوزی برای افزایش قیمت آب نداریم. رحیم میدانی گفت: در حالی که در سال ۹۳ مبلغ قرارداد خرید تضمینی آب از بخش خصوصی ۱۱۰ میلیارد تومان بود، در سال ۹۴ این رقم به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا اظهار کرد: با توجه به اینکه بخش خصوصی سالانه قیمت آب را افزایش می‌دهد، خرید تضمینی آن برای این وزارتخانه دشوار است. این مقام مسئول در وزارت نیرو ادامه داد: اگر بخواهیم کمبودهای اعتباری موجود در حوزه آب جبران شود و از محل آن پروژه‌های نیمه‌تمام را به انجام برسانیم، باید همانند سایر کشورها به‌تدریج به سمتی حرکت کنیم که مشترکان قیمت تمام‌شده آب را پرداخت و در ازای آن خدمات دریافت کنند. معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا تأکید کرد: این به معنای افزایش قیمت آب نیست و ما هم‌اینک هیچ مجوزی در این زمینه نداریم. میدانی گفت: در سال ۹۴ - ۹۳ میانگین بارندگی در کشور نسبت به درازمدت ۲۶ درصد و نسبت به سال ۹۳ رقمی معادل ۱۴ درصد کاهش داشته است.

۵ سال بودجه کل کشور، برآورد هزینه انتقال پایتخت

ادامه از صفحه ۵

با فرض مثبت‌بودن انتقال پایتخت، کدام شهر جایگزین تهران خواهد بود؟ تقسیم‌بندی‌ها به چه صورت است؟

در تاریخ ایران بیش از ۵۰ بار پایتخت جابه‌جا شده است و اگر قرار باشد یک بار دیگر این کار انجام شود، حداقل از منظر تاریخی امکان‌پذیر است. بااین‌حال، وقتی به دلایل تاریخی انتقال پایتخت‌ها در ایران نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم انتقال پایتخت همواره به دلایل روشنی اتفاق افتاده است. ایجاد امنیت در برابر دشمنان یکی از دلایل با بیشترین فراوانی را تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال صفویان پایتخت را از تبریز به قزوین و بعد اصفهان، مرکز کشور، منتقل می‌کنند تا بتوانند در برابر هجوم بیگانه از حکومت خود دفاع کنند. گاهی هدف از انتقال پایتخت یکسان‌سازی محل جغرافیایی پایتخت و محل قدرت حکومت بوده است. حکومت‌های قومی محل پایتخت را به محل اصلی قدرت قوم خود منتقل می‌کردند. گاهی هم دلایل اقتصادی و ارتباطی انگیزه اصلی را تشکیل داده است، اما امروز موافقان انتقال، دلایل روشن و بی‌خدشه‌ای را برای انتقال پایتخت در دست ندارند. هنوز در این بحث هستیم که انتقال پایتخت از نظر اقتصادی چقدر می‌تواند هزینه‌بر باشد و اصولا آیا امکان‌پذیر است و دیگر آنکه چطور می‌تواند انجام شود. علاوه بر آن باید بررسی کرد الزام به انتقال تا چه اندازه است و کدام شهر می‌تواند پایتخت باشد. در انتقال پایتخت دو شیوه را می‌توان به‌کار برد؛ یکی اینکه انتقال پایتخت از یک شهر به شهر دیگر اتفاق بیفتد، مثلا در ترکیه پایتخت از استانبول به آنکارا منتقل شد. دلیلش هم این بود که استانبول نماینده سنت بود، اما آنکارا نماینده مدرنیته بود و دولت با این انتقال قصد انتقال مفهومی خاص را داشت. دیگر اینکه شهر جدیدی ساخته شود. مثلا نمونه موفقش پایتخت برزیل است که از ریودوژانیرو به برزیلیا منتقل شد. برزیلیا منطقه شهری نبود و درواقع شهر جدیدی ساخته شد یا در استرالیا از ملبورن به کامبرا منتقل شد که هر دو مفاهیمی را داشت؛ برای اینکه دولت می‌خواست در محدوده سرزمین از نظر سیاسی نشان دهد تسلط دارد و به هیچ شهر و منطقه‌ای وابسته نیست و می‌تواند استقلال داشته باشد.

در هر دو صورت زیرساخت‌ها باید در نظر گرفته شود.

همین‌طور است. درست بعد از جنگ تحمیلی بحث انتقال پایتخت مطرح شد. اواخر دهه ۷۰ هم دوباره سخن از آن به میان آمد، اما هربار به مشکل تهران رسیدیم. گزینه‌های متعددی در اطراف تهران در نظر گرفته شده اما ابتدا باید امکان انتقال پایتخت سنجیده شود و بعد ببینیم کدام‌یک از مناطق ظرفیت و امتیاز بیشتری دارند. در حال حاضر هیچ منطقه‌ای برای انتقال پایتخت مطرح نیست. گزینه‌هایی وجود دارد اما هیچ‌کدام بر دیگری ارجحیت ندارد.

کدام گزینه‌ها مطرح شده است؟

زمانی مطرح شده بود که شاید پایتخت به اصفهان منتقل شود، اما این انتقال به این معنا بود که در واقع مشکلات تهران را به آنجا منتقل کرده باشیم. در کل ایجاد شهری برای پایتخت شدن طرفداران به مراتب بیشتری دارد. پهنه‌هایی در استان سمنان، پهنه‌ای در جنوب تهران، پرند، شرق تهران و حتی غرب دور در حد ایده مطرح هستند.

در دفعات گذشته برآورد هزینه‌ای چقدر بود و اکنون این برآورد هزینه چه میزان است؟

گفته می‌شود شاید حدود پنج سال بودجه کل کشور برای تأسیس زیرساخت‌ها و روبناها نیاز باشد. راه‌حل‌هایی هم ذکر شده. اینکه بخشی از این هزینه از فروش ساختمان‌های دولتی تأمین شود. ساختمان‌های دولتی درحال‌حاضر ارزش‌افزوده بالایی دارند. البته در این زمینه فقط می‌توانیم از باب تئوری صحبت کنیم، مثلا تصور کنید یک وزارتخانه یک‌سری ساختمان در تهران دارد و معادل همان در محدوده جدید، فضا نیاز دارد. می‌توان گفت شاید ساختمانی که در تهران است، بیش از پنج برابر نسبت به ساختمانی که قرار است در جای دیگر ساخته شود، ارزش دارد. بنابراین با فروش این ساختمان‌ها می‌توان بخشی از هزینه‌ها را تأمین کرد. منتها به بررسی‌های مفصل نیاز دارد.

بررسی شده است چنددرصد از هزینه‌ها را از این طریق می‌توان تأمین کرد؟ به‌هرحال این طرح از قبل روی کار بوده. واقعا همه‌چیز در حد حرف بوده است و حتی برآورد خاصی وجود ندارد؟

برآورد دقیقی وجود ندارد. همه‌چیز در حد تئوری بوده است. مجلس فقط یک ماه است که دولت را موظف کرده در طول دو سال به مطالعه بپردازد تا همین جواب‌ها را به دست بیاورد.

فرض بر اینکه با فروش این ساختمان‌ها بخشی از هزینه تأمین شود، چه کسی قرار است این ساختمان‌ها را خریداری کند؟

به‌هرحال، تهران قلب اقتصادی کشور است و ساختمان‌های شهر، ارزش‌افزوده بالایی دارند. بخش خصوصی انگیزه خوبی برای ورود به این عرصه خواهد داشت.

در انتقال پایتخت بخش خصوصی به‌دنبال بخش دولتی خواهد رفت. به‌نظرتان در این زمینه هزینه خواهند کرد؟

در نظام‌هایی که بخش خصوصی قدرتمند است و حرف اصلی را در زمینه اقتصاد می‌زند، اقناع آنها به تغییر پایتخت، هم لازم و هم، کار پیچیده‌ای است. دلایل روشنی از منظر عموما اقتصادی باید اقامه شود تا بتوان بخش خصوصی را قانع کرد که با تغییر پایتخت، آنها هم منتفع خواهند شد، ولی در حکومت‌هایی مانند ایران که نقش دولت‌ها در اقتصاد خیلی پررنگ است، این کار راحت‌تر ولی با ریسک بسیار بالا صورت می‌گیرد. تصمیمات تبدیل به قانون می‌شود و چون نهاد دولت‌ها نهاد قدرتمند اقتصادی نیز هستند، بقیه تبعیت می‌کنند.

اما این را نمی‌توان به بخش خصوصی گفت.

متأسفانه بحث این است که بخش خصوصی در نظام‌های دولت‌محور، بخش ضعیفی است.

اما شبه‌دولتی‌ها از دولت قدرتمندتر هستند، ولی در دسته بخش خصوصی قرار می‌گیرند.

شبه‌دولتی‌ها هم تحت‌تأثیر دولت هستند و تمام مبانی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای بودجه‌شان در سیستم دولتی گرفته می‌شود. خیلی مهم است رابطه بخش خصوصی و دولتی چطور تعریف شود. در جایی مانند ایران که دولت در زمینه اقتصاد، قدرت مطلق را دارد، این انتقال می‌تواند راحت‌تر صورت بگیرد.

یعنی به بخش خصوصی چون ضعیف‌تر است می‌توان گفت دنبال دولت برود؟

وقتی بخش دولتی با همه هیمنه‌اش برود، بودجه را هم با خودش می‌برد. اما در نظامی که بخش خصوصی قوی است و دولت فقط مسئولیت نظارت را برعهده دارد، نظام تصمیم‌سازی متفاوت است.

با این تفاسیر که بخش خصوصی به‌دنبال بخش دولتی خواهد رفت، آیا این بخش متقاعد خواهد شد که برای خرید این ساختمان‌ها در تهران که دیگر پایتخت نیست، هزینه کند؟

انتقال پایتخت، انتقال شهر اقتصادی کشور نیست. تهران همچنان تا دهه‌ها و شاید همیشه بزرگ‌ترین و مولدترین شهر کشور باقی بماند. میزان کاری که در تهران تولید می‌شود و تخصص‌ها و زیرساخت‌هایی که ایجاد شده، تهران را شهر اقتصادی ایران نگاه می‌دارد. همان‌طور که گفته شد، ۵۵ درصد از مالیات کشور توسط تهرانی‌ها پرداخت می‌شود. تهران نه‌تنها به‌عنوان قدرت اقتصادی باقی خواهد ماند بلکه مرکز اصلی فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی نیز می‌ماند. فقط فعالیت‌های سیاسی است که منتقل خواهد شد. بنابراین تهران جذابیت‌های خود را همچنان خواهد داشت منتها شتاب رشد اقتصادی و جمعیتی‌اش کاهش پیدا خواهد کرد. این انتقال حتی جمعیت را کاهش نمی‌دهد، بلکه شدت رشد جمعیت و جذابیت فعالیت اقتصادی را کاهش خواهد داد.

با انتقال پایتخت بخشی از جمعیت هم منتقل خواهد شد. فارغ از ساخته‌شدن یک شهر جدید، زیرساخت‌های این انتقال جمعیت و ایجاد شغل سنجیده شده است؟

اگر انتقال پایتخت، انتقال قدرت سیاسی باشد و نهادهای دولتی منتقل شوند و شهر جدیدی شکل دهند، افراد با کار خود به محل جدید منتقل می‌شوند. فرض این است که برای محل پایتخت جدید دولت می‌داند چه میزان ساخت‌وساز باید صورت گیرد و برای نیروهایش چه میزان تأسیسات و مسکن نیاز دارد.

هر فرد که قرار است به جایی منتقل شود، اندوخته‌ای در جای قبلی دارد. این مسائل خرد درنظر گرفته می‌شود؟

این مسائل اصلا مسائل خردی نیست. با ابزار تغییر اقتدارگرایانه پایتخت نمی‌توان به نبرد عدم‌توازن شهری که خود برآمده از تصمیمات اقتدارگرایانه است رفت. یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان در بحث انتقال پایتخت مردم هستند که باید با دقت و وسواس زیاد نظر آنان را جویا شد و به نگرانی‌هایشان توجه کرد. حتما در مطالعات به این قضیه دقت خواهد شد. چون مردم اشیا نیستند که بتوان آنها را دستوری منتقل کرد. به‌هرحال عده‌ای خود را تهرانی می‌دانند و نمی‌توان با یک برگه به آنها گفت از فردا در جایی دیگر زندگی خواهید کرد. در دولت دهم یک بار انتقال اجباری اتفاق افتاد و فوق‌العاده نتایج مخربی داشت. نه‌تنها اهداف آن انتقال محقق نشد بلکه گروهی که شامل طرح شده بودند، به‌شدت آسیب دیدند. حتما باید یک آسیب‌شناسی جدی از انتقال دستوری افراد چه در تجربه دولت قبل و چه تجربیات جهانی صورت گیرد.

آیا این امر در نظر گرفته شده که مثل بعضی کشورها چند پایتخت داشته باشیم؟

بله، این هم می‌تواند یک گزینه باشد. پایتخت‌ها نماد کارکردهای نظام سیاسی کشور هستند. این قضیه بحث مهمی است. پایتخت محل تجلی حکومت است و موفق‌بودن یک پایتخت، موفق‌بودن یک حکومت را در ذهن متبادر می‌کند. همچنین محل قرارگیری پایتخت‌ها رابطه‌ای مستقیم با منشأ کسب مشروعیت حکومت‌ها دارند. حکومتی که مشروعیت خود را از قدرت اقتصادی می‌گیرد پایتختش هم باید مرکز اقتصادی کشور باشد. فرانسه و انگلستان مثال‌هایی از این دست هستند. پاریس و لندن به‌صورت سمبولیک قدرت اقتصادی کشور را تجلی کالبدی می‌دهند. اگر حکومتی مشروعیت خود را از قدرت مذهبی کسب می‌کند طبیعی است که پایتختش در شهری مذهبی قرار گیرد. رژیم اشغالگر قدس سعی می‌کند پایتختش را بیت‌المقدس قرار دهد یا تبت شهر لهاسا را پایتخت قرار داده است. اگر حکومتی فدرالی اداره می‌شود و قدرت اصلی را از حکومت‌های محلی می‌گیرد، باید پایتختش جایی باشد که نشان دهد بین این حکومت‌های محلی بی‌طرف است، بنابراین در نمونه‌هایی مانند آلمان، کانادا یا استرالیا پایتخت در جایی قرار دارد که متعلق به یک منطقه خاص نباشد. در کشور ما که حکومت مشروعیت خود را از اراده مردم به انقلاب کسب کرده است، مکانی با این شأن باید پایتختی را برعهده بگیرد. در باور من پایتخت ایران باید مرکز نمادین تمرکز جمعیت، سیاست و فرهنگ باشد. با این فرض پس باید منشأ کسب مشروعیت حکومت را در ذهن داشته باشیم و آنگاه بسنجیم آیا می‌توان مسائل اقتصادی و سیاسی را تفکیک کرد یا خیر.

ممکن است گزینه چندپایتختی در راستای تقسیم‌بندی‌های آینده اتفاق بیفتد؟ با توجه به اینکه قومیت‌های مختلفی داریم و برخی اداره کشور به‌صورت فدراتیو را توصیه می‌کنند.

سیستم فدراتیو را در شرایط حاضر به هیچ‌وجه مناسب ایران نمی‌دانم. به گواه تاریخ در فلات ایران به قدرت مرکزی نیاز داریم و نمی‌توانیم قدرت را بشکنیم. اگر فرض من درست باشد، بنابراین به پایتختی قدرتمند که بتواند قدرت متمرکز را متجلی کند، نیاز داریم. این نظر شخصی من است و نظر دولت را مطالعات نشان خواهد داد.

فارغ از این مسائل، آیا وضعیت اقتصادی ما اجازه انتقال پایتخت را می‌دهد؟

هزینه‌های انتقال پایتخت از مسائل مهمی است که امکان دارد کشوری را از این تصمیم منصرف کند. حتی در ژاپن هم زمانی که موضوع انتقال پایتخت مطرح شد، در گزارششان ذکر شد که اقتصاد ژاپن در آن زمان امکان تأمین هزینه‌های انتقال را ندارد. به نظرم راهی که برای رسیدن به جواب آری یا نه به انتقال پایتخت انتخاب شده، نقشه راه منصفانه‌ای دارد. همه گروه‌هایی که درگیر قضیه هستند، باید موردمشورت قرار گیرند. مطابق مصوبه شورایی ۱۵ نفره متشکل از بخش‌های مختلف عهده‌دار تهیه گزارش خواهند بود. زمان هم ضیق نیست و دو سال برای مطالعات درنظر گرفته شده است. این منصفانه است و چون براساس مشارکت ذی‌نفعان مختلف است، می‌توان به نتایج حاصله خوشبین باشیم. اما در کل با درنظرگرفتن شرایط کنونی اقتصادی خیلی‌خوشبین به موضوع انتقال نیستم. به نظرم طرح امکان‌سنجی فراتر از پاسخ به این سؤال است که انتقال، نتیجه خواهد داد یا نه و امیدوارم کسانی که امکان‌سنجی را انجام می‌دهند، راه‌حل‌هایی پیشنهاد دهند که بتوان تهران را ساماندهی کرد. به‌این‌ترتیب می‌توان فرض کرد که تهران پایتخت خواهد ماند منتها مشکلات کنونی آن کاهش پیدا خواهد کرد. بی‌پرده می‌توان گفت که مهم‌ترین دلیل برای طرح موضوع انتقال پایتخت این است که از تهران راضی نیستیم؛ نه دولت نه مردم. اگر بشود شرایط تهران را بهبود بخشید، جواب سؤال می‌تواند متفاوت شود.

دو سال مهلت داده شده است که در این زمینه تصمیم‌گیری شود و پایان این دوره، پایان دولت یازدهم نیز خواهد بود. ممکن است به این خاطر انتقال پایتخت به‌سرعت انجام شود؟

انتقال پایتخت فرایندی زمان‌بر خواهد بود. در یک آن نمی‌شود تصمیم‌گیری کرد. ایده انتقال پایتخت فراتر از این است که در زمان یک دولت انجام شود. بحث بر سر این است که این انتقال اتفاق خوبی خواهد بود یا خیر. به نظرم تفاهم خوبی بین قوا وجود دارد و به همین خاطر به‌جای اینکه یک تصمیم سیاسی گرفته شود، همه برای یک مطالعه مشترک پیش‌قدم شده‌اند. به‌نظر می‌رسد همه از مسکن مهر درس گرفته‌ایم و اهمیت کار کارشناسی درک شده است. تصمیم‌گیرنده که احتمالا باید کل حاکمیت باشد، می‌تواند در پایان دو سال و با بررسی گزارش اقدام لازم را انجام دهد. تکرار می‌کنم اقدام به انتقال پایتخت فراتر از آن است که توسط یک دولت صورت گیرد. کل حاکمیت و همه مردم باید بتوانند در این تصمیم دخیل باشند. نباید فراموش کنیم که پاسخ مردم تهران و حتی کشور باید پشتوانه تصمیم برای انتقال قرار گیرد.

گذر

وزیر بهداشت موافق افزایش قیمت شیر

● **فارس:** وزیر بهداشت از موافقت خود با افزایش قیمت شیر خبر داد و گفت: در دو سال گذشته به دامداران ما فشار آمده و افزایش قیمت شیر برای عدم آسیب به دامدار و کاهش‌نیافتن تولید شیر است.

اخیرا افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی قیمت شیر و لبنیات مورد تصویب مراجع ذی‌صلاح قرار گرفته، اما تاکنون به‌صورت رسمی اعلام نشده است.

این افزایش قیمت در حالی رخ می‌دهد که پیش از این و در مواقع قبلی، وزارت بهداشت نسبت به افزایش قیمت لبنیات واکنش نشان می‌داد و آن را موجب کاهش مصرف لبنیات در کشور عنوان می‌کرد.

آنها در گزارش‌های خود به کمبود ویتامین D و کلسیم در میان افراد جامعه استناد می‌کردند و افزایش قیمت و کاهش قدرت خرید را عامل افزایش فقر ویتامین D در کشور می‌دانستند.

به همین‌منظور افزایش دوباره قیمت شیر را با وزیر بهداشت در میان گذاشتیم تا نظر وی را در این مورد بپرسیم.

سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی زمانی که با این پرسش مواجه شد با تعجب گفت: این خبر قرار بود بعد از ماه مبارک رمضان اعلام شود.

وی درباره نظر وزارت بهداشت گفت: در مورد شیر، من می‌دانم که بیش از دو سال است که دامداران با مشکل مواجه هستند و تقریبا فشار زیادی به آنها از طرف برخی صنایع لبنی می‌آید. وزیر بهداشت افزود: اتفاقا در این مورد خاص ما موافق افزایش قیمت هستیم؛ چراکه آسیب به دامدار موجب کاهش تولید شیر می‌شود.

وی با بیان اینکه نباید در حمایت از مصرف لبنیات کاری کنیم که به دامداران آسیبی وارد شود، افزود: شاید اگر وضع اقتصادی دولت خوب بود یارانه‌ای به دامدار می‌داد تا افزایش قیمت رخ ندهد.

هاشمی ادامه داد: اما به علت اینکه درآمد دولت به‌خاطر کاهش قیمت نفت، کاهش یافته است یا باید شاهد آسیب به دامداران و کاهش تولید شیر می‌شدیم و یا قیمت شیر را افزایش می‌دادیم. وی تأکید کرد: دقیقا نمی‌دانم که این افزایش تنها مخصوص شیر است یا کل لبنیات را شامل می‌شود.